بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بشارت قرآن کریم به غلامان بهشتی و شبهات ملحدین

نقد علمی اشکالات اسلام‌ستیزان بر اساس منابع معتبر

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

بشارت قرآن کریم به
غلامان بهشتی و شبهات ملحدین
تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira



بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله وصحبه أجمعين. أما بعد:

مدت‌ها بود که شبهاتی مبنی بر این‌که در بهشت عمل لواط مشروع بوده و به عنوان نعمتی از نعمت‌های بهشتی به آنان عرضه می‌شود، میان دوره‌گردان شبهات دست به دست می‌چرخید! یکی از شبهه‌پردازان بی‌خرد نوشته است: *"غلمان یعنی پسری نوجوان که به عنوان ابزاری تنها برای سکس از آن استفاده میکنند. در بهشت نیز وعده به سکس با غلمان‌ها داده شده است..."*

اولاً. آیا خداوند در بهشت به اندازه‌ای حلال قرار نداده تا بهشتیان از حرام بی‌نیاز باشند؟ آیا پاکیزگی کافی نیست تا نفس به حرامِ ناپاک میل کند؟! و چه وقت صاحبان فطرت‌های سالم، میل به لواط و سحاق پیدا کرده‌اند؟!

خداوند متعال در وصف بهشت می‌فرماید: ﴿لَا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ﴾[۱]
بنابراین بهشتیان از اخلاق‌های بد، امیال پست و آرزوهای قبیح، پاک هستند و خداوند مردان و زنان مؤمن را در بهشت خود، با فضل دائمی و نعمت‌های بسیاری که از چیزهای پاک نصیب آنان کرده، از چنین خباثت‌ها و چیزهای ناپاک بی‌نیاز گردانده، پس چگونه ممکن است شخص مؤمن در بهشت، چنین فواحش ناپاکی را از پروردگارش بطلبد، درحالی‌که خداوند با حوری‌هایی بر مؤمنان منت نهاده است؟! در صحیح بخاری روایت شده که پیامبر ﷺ فرمودند: «اگر یکی از زنان بهشتی بر اهل زمین جلوه نماید، فضای میان زمین و آسمان را روشن و مالامال از بوی عطر می‌نماید!»[۲]

ثانیاً. اسلام جز با عفاف و پاکیزگی نیامده و لواط از خصوصیات جوامع منحط و فاسد است که خداوند پیشینیان آنان -یعنی قوم لوط- را به سبب این عمل قبیح و زشت عقاب شدیدی داد! دین اسلام، عمل لواط را جنایت بزرگی می‌داند و قوم لوط به دلیل این گناه‌شان، به «عدوان»[۳]، «جهالت»[٤]، «اسراف»[۵] و «جرم»[٦] توصیف شده‌اند!

---

۱. الطور، آیه ۲۳ : *«در آن نه بیهوده‌گویی است و نه بزهکاری!»*
۲. امام بخاری آن را در صحیح خود (۲۷۹٦) روایت کرده است: *«ولو أن امرأة من أهل الجنة اطلعت إلى أهل الأرض لأضاءت ما بينهما، ولملأته ريحا.»*
۳. الشعراء، آیه ١٦٦
٤. النمل، آیه ۵۵
۵. الأعراف، آیه ۸۱
٦. الأعراف، آیه ۸٤

حال چگونه ممکن است گناهی به این بزرگی، در بهشت وجود داشته باشد و غلامانی برای برطرف‌سازی شهوتی شاذ آماده گردند؟! و چگونه ممکن است به مسلمانان گفته شود: چنین انحرافی را در دنیا مرتکب نشوید تا در بهشت آن را به دست آورید؟!

میل مرد به همجنس خود، میلی طبیعی و موافق فطرت نیست، بلکه یک بیماریست که شخصِ دور از طهارت اخلاقی به آن مبتلاء می‌گردد، بنابراین خداوند ازدواج را در دنیا مشروع گردانده و در بهشت نیز وعده‌ی حوریان داده است، و این تنها چیزیست که اسلام آورده و امور منکر در بهشت جایی ندارند!

ثالثاً. آیاتی که ملحدین و اسلام‌ستیزان به آن استناد کرده‌اند، بیان حال خادمان اهل بهشت است که خداوند آنان را در کامل‌ترین صورت‌ها آفریده تا به خدمت بهشتیان مشغول باشند و ابداً وظیفه‌ی‌شان چیزی نیست که ملحدین با دروغ و افتراء مدعی شده‌اند، و خداوند وظیفه و کار آنان را با نص قرآنی بیان کرده که در آن ذکری از افترای معاندین وجود ندارد! همچنین جالب است که اگر تمامی کتب تفسیری معتمد (چه از تفاسیر سلف مانند مجاهد، قتاده و...، و چه تفاسیر متقدمین و متأخرین) را مراجعه و تفسیر این آیات را بخوانیم، اثری از نعمت قراردادن عمل شنیع لواط در بهشت نمی‌بینیم، زیرا اهل اسلام به انحرافاتی که ملحدین در سر دارند، به چشم فضائل نگاه نمی‌کنند!

رابعاً. اسلام‌ستیزان درباره‌ی این‌که نویسنده‌ی قرآن کریم کیست، با یک‌دیگر اختلاف نظر دارند، و اگر بگوییم در این خصوص با خود نیز اختلاف داشته و تناقض گفته‌اند، بی‌جا نگفته‌ایم! برای مثال آقای مسعود انصاری (که به دکتر روشنگر معروف است) در جایی از کتاب خود می‌گوید: «بدیهی است که اگر محمد درباره‌ی متون و احکام قرآن با صاحبان رای و بصیرت مشورت بعمل می‌آورد، از بسیاری از اشتباهات بارزی که در قرآن مرتکب شده جلوگیری می‌شد»[۷] و می‌گوید: «در تدوین مطالب قرآن تنها به ذهنیت خود متکی شد»[۸]، اما در جای دیگری به گروهی از صحابه نقش می‌دهد![۹] همچنین جناب آقای دکتر لطف‌الله روزبهانی در جایی گفته است که پیامبر ﷺ با یکی از صحابه در تدوین مطالب قرآن مشورت می‌کرده[۱۰] و در جایی دیگر به تناقض افتاده و

۷. بازشناسی قرآن، نشر نیما، ص ۲۴۳
۸. همان، ص ۲۰۲
۹. برای مثال بنگرید به ص ۱۴۸
۱۰. قرآن کلام محمد، ص ۱۱۸

هرگونه مشورتی را نفی می‌کند: «یکی از اشتباهات محمد در این بوده که چون می‌خواسته و وانمود می‌کرده که قرآن کلام الله است، در خصوص آیات با کسی مشورت نمی‌کرده...»[١١]

علاوه بر این‌ها، می‌گویند آن‌چه در قرآن کریم از ترغیب به نعمت‌های بهشتی آمده، به دلیل میل عرب به آن چیزها بوده است و پیامبر اسلام ﷺ می‌خواسته این‌گونه آنان را به پذیرش اسلام ترغیب کند! اما آن‌چه رد قاطعی بر شبهه‌ی معاندین محسوب می‌شود، آن است که عرب علاقه‌مند به عمل لواط آن‌هم با کودکان نبوده و چنین چیزی در میان آنان غریب بوده است! ابن کثیر دمشقی ﷫ در تاریخ خود می‌نویسد: «همانطور که بسیاری این مسئله را خاطرنشان ساخته‌اند، در گذشته، لواط در میان عرب‌ها شناخته نشده بود، به همین دلیل ولید بن عبدالملک گفته است: اگر الله متعال داستان قوم لوط را در قرآن برایمان بیان نکرده بود، فکرش را هم نمی‌کردیم که مردی، سوار مردی دیگر شود!»[١٢] و حافظ ابن قیم ﷫ نیز این مطلب را تأیید کرده است.[١٣]

اگر گفته شود: ممکن است افرادی در جاهلیت آن را انجام داده باشند!
می‌گوییم: این ارتباطی به علاقه‌ی جمعی قوم عرب ندارد، برای مثال ویل دورانت به نقل از هرودوت می‌گوید: «پارسیان امردبازی را از یونانیان گرفته‌اند!»[١٤]
اما می‌دانیم که این عادت عمومی و فرهنگ پارسیان نبوده است، پس وقتی این به فرهنگ عمومی پارسیان ضرر نزند، آن هم به فرهنگ عمومی عرب ضرری نمی‌زند، در نتیجه واضح می‌شود که عرب میلی به امردبازی و لواط نداشته تا در قرآن به آن وعده داده شود، پس بر اساس نگرش اسلام‌ستیزان، شبهه‌ی خودشان باطل می‌گردد!

سپس مقاله‌ای را در فضای مجازی دیدیم که معترض در آن مدعی شده بود: *"غلمان یعنی پسری نوجوان که به عنوان ابزاری تنها برای سکس از آن استفاده میکنند. هزاران هزار از این نوجوانان پسر را سپاهیان اسلام در صدر اسلام اسیر کرده و در خانه ها به عنوان برده سکسی از آنها استفاده میکردند. غلام یعنی چه؟ (لغت نامه دهخدا): همخوابی مردی با پسر بچه را گویند. عرب هیچ وقت به نوکر یا چاکر نمیگفته است غلام چون معنی غلام اصلا نوکر نیست!"*
می‌گوییم:

---

١١. همان، ص ٦٤
١٢. البداية والنهاية، دار الفكر، ج ٩، ص ١٦٣: *«وكانت لا تعرف بين العرب قديما كما قد ذكر ذلك غير واحد منهم. فلهذا قال الوليد بن عبد الملك: لولا أن الله عز وجل قص علينا قصة قوم لوط في القرآن ما ظننت أن ذكرا يعلو ذكرا.»*
١٣. زاد المعاد، مؤسسة الرسالة، ج ٥، صص ٣٧-٣٦
١٤. قصة الحضارة، دار الجيل، ج ٢، ص ٤٤٠: *«إن الفرس قد أخذوا عن اليونان اشتهاء الغلمان.»*

اولاً. ترجمه‌ای که از غلمان و غلام ارائه شده، اشتباه و مجرد ادعای یک بی‌خرد است که وزنی در میزان علمی ندارد! معترض ندانسته که «غِلمان» جمع «غُلام» است[۱۵] و گمان کرده مفرد است و آن را هم به ابزار رابطه‌ی جنسی معنا کرده که نشان از جهل او دارد!

در حقیقت غلام به دو معنا استفاده شده است:

۱. کودک از زمانی که متولد شد، تا زمانی که به سن جوانی برسد، غلام نامیده می‌شود و به صورت مجازی بر مردان هم اطلاق می‌شود! شاهد از خود قرآن کریم است که خداوند فرمود: ﴿فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ﴾[۱۶] و در قصه‌ی موسی ﷺ و خضر ﷺ آمده است: ﴿وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ﴾[۱۷]

۲. همچنین به بنده و یا خدمتکاری که در مقابل مال اجیر شده باشد نیز غُلام گفته می‌شود[۱۸] و این انکار معترض که "معنی غلام اصلا نوکر نیست" دلالت بر ناآشنایی او به زبان عرب دارد!

ثانیاً. شبهه‌پرداز به معانی که توسط آقای دهخدا ذکر شده توجهی نکرده و تنها انحراف ذهنی خود را مراد قرار داده است! درحالی‌که در فرهنگ دهخدا، در ضمن معانی آمده است: «غلام بزرگتر از صبی و خردتر از شاب است و آن سنی است از چهارده سالگی تا بیست و یک سالگی» که این همان معنای حقیقی غلام است، و درباره‌ی معنایی که در ادبیات فارسی گرفته است، آقای دهخدا می‌نویسد: «معنی اصلی غلام، پسر و امرد است ولی چون پادشاهان و امرا و شعرا و توانگران علاوه بر استفاده از غلامان خود در مورد خدمتگزاری و جنگاوری و تجمل با بعضی ازبندگان خوبرو عشق می‌ورزیدند، از این رو غلام در ادبیات مفهوم معشوق را به خود گرفته است.»

بنابراین شبهه‌ی معاندین ناشی از قلت اطلاع آنان به زبان عربی و قرآن کریم بوده است و در واقع ارزشی ندارد، زیرا حتی بر اساس بینشی که به اسلام دارند، بطلان این شبهه هویدا می‌گردد و بی‌ارزش بودن آن ثابت می‌شود.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

قسمت‌هایی از این مقاله، از وبسایت «الإسلام، سؤال وجواب» گرفته شده است.

---

۱۵. لسان العرب، دار صادر، ج ۱۲، ص ٤٤٠: *«والجمع أغلمة وغلمة وغلمان.»*

١٦. الصافات، آیه ١٠١: *«ما او [= ابراهیم] را به نوجوانی بردبار و صبور بشارت دادیم!»*

١٧. الکهف، آیه ٨٢: *«و اما آن دیوار، از آن دو نوجوان یتیم در آن شهر بود.»*

١٨. المعجم الوسیط، دار الدعوة، ج ٢، ص ٦٦٠؛ معجم لغة الفقهاء، دار النفائس، ص ٣٣٣؛ معجم اللغة العربیة المعاصرة، عالم الکتب، ج ٢، ص ١٦٣٨ و...